

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 21, No. 4, Summer 2021, 25-43
Doi: 10.30465/CRTLS.2020.32841.1969

A Critique and Review on the Book **“Endogenous Regional Development: Leadership and Institutions”**

Farhad Tarahomi*

Abstract

The book “*Endogenous Regional Development: Leadership and Institutions*” examines the role of the three components of leadership, institutions, and entrepreneurship in creating endogenous regional development. The main idea of the authors is that these three elements can provide the basis for the correct guidance of the two factors of resource endowment and adaptation to the market structure towards endogenous regional development. This statement is based on facts revealed in different parts of the world. The method of the present article in reviewing the book is documentary and analytical and the purpose is to evaluate the work with an emphasis on its content critique. The results of the study show that although the concepts contained in the book cover part of the scientific needs of the country, it has shortcomings such as not testing the proposed model, mentioning indicators that cannot be measured accurately, and using inappropriate criteria in measuring is one of the introduced indicators. In addition, a precise and specific definition of the region is not given. Furthermore, expressing the experiences of different regions, which makes up a large part of the book, lacks a general conclusion.

Keywords: Regional Endogenous Development, Leadership, Institutions, Entrepreneurship, Modeling

* Postdoctoral Researcher, Alzahra University, Department of Economics, Tehran, Iran,
f.tarahomi@alzahra.ac.ir

Date received: 26/12/2020, Date of acceptance: 18/05/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ماه‌نامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی)، سال بیست‌ویکم، شماره چهارم، تیر ۱۴۰۰، ۲۷ - ۴۳

نقد و تحلیل کتاب

توسعه درون‌زای منطقه‌ای: رهبری و نهادها

فرهاد ترحمی*

چکیده

کتاب توسعه درون‌زای منطقه‌ای: رهبری و نهادها به بررسی نقش سه مولفه رهبری، نهادها و کارآفرینی در ایجاد توسعه درون‌زای مناطق می‌پردازد. اندیشه اصلی نویسندگان آن است که سه عنصر یاد شده می‌توانند زمینه را در هدایت صحیح دو عامل موهبت منابع و تناسب با ساختار بازار به سمت توسعه درون‌زای منطقه‌ای فراهم سازند. این گزاره بر پایه حقایق آشکار شده در مناطق مختلف جهان حاصل شده است. روش مقاله حاضر در بررسی کتاب، اسنادی و تحلیلی است و هدف، ارزیابی اثر با تاکید بر نقد محتوایی آن است. نتیجه بررسی نشان می‌دهد که گرچه مفاهیم مندرج در کتاب بخشی از نیاز علمی کشور را پوشش می‌دهد ولی دارای کاستی‌هایی نظیر عدم آزمون مدل پیشنهادی، ذکر شاخص‌هایی که با دقت نمی‌توانند اندازه‌گیری شوند و استفاده از معیار نامناسب در اندازه‌گیری برخی از شاخص‌های معرفی شده می‌باشد. ضمن این که تعریف دقیق و مشخصی از منطقه آورده نشده است. به‌علاوه، بیان تجربیات مناطق مختلف که سهم بالایی از کتاب را تشکیل می‌دهد، فاقد یک نتیجه‌گیری کلی است.

کلیدواژه‌ها: توسعه درون‌زای منطقه‌ای، رهبری، نهادها، کارآفرینی، مدل‌سازی

* پژوهشگر پسا دکتری، دانشگاه الزهراء، گروه علوم اقتصادی، تهران، ایران، f.tarahomi@alzahra.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۸

۱. مقدمه

کتاب حاضر درباره نقش رهبری و نهادها در ایجاد و گسترش توسعه منطقه ای است. نویسندگان معتقدند که به منظور استفاده مطلوب از منابع طبیعی، انسانی و همچنین ماهیت تناسب با ساختار بازار منطقه، نیاز به مولفه هایی خاص است که عبارتند از: رهبری، نهادها و کارآفرینی. تعیین و شناسایی این مولفه ها با توجه به حقایق آشکار شده و مورد پژوهی های انجام گرفته در مناطق مختلف صورت پذیرفته است. در واقع این سه عامل همانند متغیر میانجی موجب می شوند که فرآیند توسعه درون زای منطقه ای با توجه به منابع و تناسب با ساختار بازار منطقه به نحو مطلوب صورت پذیرد. به منظور تبیین موضوع، نیاز به مدلی است که بتواند چنین فرآیندی را بیان نماید. در مدل ارائه شده، توسعه درون زای منطقه ای به عنوان متغیر وابسته و موهبت منابع و تناسب با ساختار بازار منطقه متغیر مستقل محسوب می شوند. در این راستا، نویسندگان اقدام به ارائه شاخص هایی به منظور برآورد مدل نموده اند که دارای گستره ای زیاد است. به عنوان نمونه در خصوص موهبت منابع ۱۳ شاخص معرفی شده است. ولی در نهایت از برآورد مدل در خصوص یک منطقه خاص اجتناب شده است. با توجه به این که در سال های اخیر توجه زیادی به بحث توسعه منطقه ای در اقتصاد ایران شده است و مواردی همچون سند توسعه منطقه ساحلی مکران و سند تدبیر و توسعه استان آذربایجان شرقی تهیه و تنظیم شده است، تحلیل و بررسی اثر، خصوصا از نظر مدل سازی اهمیت ویژه ای دارد. بدین منظور سازماندهی مقاله به ترتیب زیر است. در بخش دوم به معرفی اثر پرداخته می شود. در این بخش کوشش شده است مطالب ارائه شده در کتاب مرور انتقادی شود. سپس، نقد شکلی کتاب مطرح می شود. بخش چهارم مقاله به نقد محتوایی اثر اختصاص دارد. نتیجه گیری، آخرین بخش مقاله را تشکیل می دهد.

۲. معرفی اثر

کتاب توسعه درون زای منطقه ای: رهبری و نهادها نوشته رابرت استیمسون، راجر استاو و ماریا سالازار در ۵۰۰ نسخه و با قیمت ۴۰۰۰۰ تومان برای نخستین بار در سال ۱۳۹۷ توسط نشرنی به چاپ رسیده است. این کتاب توسط آقایان شریف زادگان و ملک پور اصل ترجمه شده و در اختیار علاقه مندان فارسی زبان قرار گرفته است. نویسندگان کتاب دارای تالیفات متعدد در این خصوص می باشند و مدل پیشنهادی خود را به صورت مقاله نیز

منتشر نموده اند (Stimson et al, 2015). مترجمان نیز سعی نموده اند که مدل یاد شده را در اقتصاد ایران اجرایی سازند (شریف زادگان و ملک پور، ۱۳۹۵، شریف زادگان و ندایی طوسی، ۱۳۹۵). در این خصوص، در کتاب نامه مقاله حاضر به برخی از این تحقیقات اشاره شده است. آنچه از عنوان کتاب بر می آید، هدف از تالیف و ترجمه کتاب، گسترش پایه‌های نظری در توسعه درون‌زای منطقه ای است. در این راستا، استاوا (Stough) یکی از نویسندگان کتاب، در یادداشت خود به مترجم بیان می کند: "این کتاب، چندین کمک نوین به عرصه علم منطقه ای رسانده است". ادعای نویسنده بر دو پایه بنیان نهاده شده است. پایه اول بر گسترش تابع تولید و تبیین رشد اقتصادی در مناطق است. به بیان دیگر، کوشش شده است علاوه بر نیروی کار و سرمایه به عنوان دو عامل تولید (الگوی رشد سولو (Solow))، نقش تغییرات فناوری که ناشی از نوآوری و کارآفرینی است، برجسته شود. در واقع می توان گفت که همانند لوکاس (Lucas) و بارو (Barro) که با مولفه سرمایه انسانی تابع تولید را گسترش دادند، نویسندگان کوشش نموده اند با تاکید بر نوآوری و کارآفرینی، اثرات رشد اقتصادی مناطق را به نحو مطلوب تر توضیح دهند. در خصوص اهمیت نوآوری و کارآفرینی نویسندگان معتقدند که پنجاه درصد از تغییرات تابع تولید توسط تغییرات فناورانه و خطاها توضیح داده می شود (استیمسون و دیگران، ۲۰۰۷: ۱۴). در این خصوص لازم بود که نویسندگان با ذکر منبع، ادعای خود را بیان می نمودند. پایه دوم آن به نقش رهبری در رشد اقتصادی و تاب آوری منطقه ای اشاره اختصاص دارد. دو بنیان ذکر شده می تواند به مناطقی که در معرض مخاطرات طبیعی و مصنوعی هستند، کمک رساند. کتاب با پیش گفتار مترجمان آغاز می شود. متن آن بازنویسه دو مقاله‌ای است که قبلا در مجلات و روزنامه های داخل کشور به چاپ رسیده است. در این بخش چنین آمده است: کتاب با رویکرد اقتصاد آزاد نوشته شده است. گرچه نویسندگان به ناکارآمدی آن تاکید داشته اند و دیدگاه اصلاحی (رویکرد نهادی) را مطرح نموده اند (همان: ۱۵). به همین دلیل، در این بخش مترجمان سعی نموده اند دیدگاه های نهادی توسعه منطقه ای را بیان نمایند. در ابتدای پیش گفتار یاد شده که جامع و مفید است، بر مفاهیمی تاکید شده است که بدیهی هستند. به عنوان نمونه می توان از جملات، "شناخت از مضمون ها، زمینه‌ها و فرآیندهای اقتصاد منطقه ای برای ما ایرانیان می تواند دستاوردی ضروری باشد" و "همه عناصر اصلی توسعه منطقه ای، اقتصاد منطقه ای نیست" (همان: ۱۶) نام برد. در ادامه این بخش بر انگاشت توسعه درون‌زا تاکید شده است. گرچه اهمیت این موضوع

در ایران با توجه مواردی نظیر ماده ۲۶ قانون برنامه ششم توسعه، سند توسعه منطقه ساحلی مکران و سند تدبیر و توسعه استان آذربایجان شرقی به اثبات رسیده است. تاریخچه برنامه‌ریزی منطقه ای و شکل‌گیری آن در اروپا و آمریکا و بیان خصوصیات و الزامات آن بخش بعدی پیش‌گفتار را تشکیل می‌دهد. سپس چالش‌های پیش روی نظریه‌های نوین رشد و پاسخ توسعه درون‌زا به آن‌ها بیان شده است. در این خصوص از نوردهاوس (Nordhaus) برنده جایزه نوبل ۲۰۱۸ اقتصاد نقل شده است: توسعه درون‌زا علاوه بر ارتقای بهره‌وری بخش‌های اصلی اقتصاد، به ابعاد فرهنگی و هنجاری موجود در منطقه نیز توجه می‌کند و از این طریق است که رفاه جامعه افزایش می‌یابد (همان: ۲۷). با توجه به این نکته مسیرهای متعددی به منظور نیل به توسعه درون‌زا وجود دارد که به خصوصیات و ظرفیت‌های هر اقتصاد منطقه بستگی دارد. در این راستا، رهیافت نهادی به عنوان یکی از متاخرترین نگرش‌های موجود در راستای توسعه درون‌زا، بر مکان‌های پیشرو که دارای ارتباطات جهانی و وابستگی‌های درونی هستند، تاکید دارد. وابستگی‌های درونی از طریق دانش و کیفیت نهادهای محلی و همچنین عادات و روابط اجتماعی کسب می‌شود. ارتباطات جهانی نیز باعث می‌شود که کالاها و خدمات تولید شده در منطقه به فروش رسد و از این طریق درآمد کسب شود. اهمیت این فرآیند به اندازه‌ای است که برخی اندیشمندان معتقدند که مناطق محرک اصلی اقتصاد ملی هستند نه کشورها (همان: ۳۱). بنابراین در حال حاضر، نه تنها شرکت‌ها و کشورها، بلکه، مناطق نیز با یکدیگر رقابت می‌کنند. رهیافت نهادی بر نظریه هزینه مبادله تاکید ویژه دارد. بر اساس این نظریه، کنشگران اقتصادی مطابق اندیشه‌های اقتصاد نئوکلاسیک به دنبال حداکثر سازی سود خود نیستند، بلکه در پی کاهش هزینه‌هایی هستند که مبادلات آن‌ها را ایجاد می‌کند. هزینه‌های مبادلات از طریق برنامه‌ریزی اقتصادی درون‌زای منطقه ای و با مشارکت دو بخش دولتی و خصوصی کاهش می‌یابد. دسترسی یکسان به خدمات آموزشی، کسب مهارت‌ها، کارآفرینی، تسهیل فعالیت توسعه اقتصادی از طریق کارگزاران موضوعات مرتبط با رهیافت نهادی هستند و برای توسعه درون‌زا بسیارکارآمد می‌باشند. در مجموع، رهیافت نهادی (که به منظور رشد درون‌زا اهمیت ویژه ای دارد)، در عرصه ای (منطقه ای) به وقوع می‌پیوندد که در آن نهادهای رسمی و غیررسمی تقریباً توسعه یافته باشند. در این عرصه، هزینه انواع مبادله به حداقل می‌رسد و رانت جوئی از طریق رقابت کنترل می‌شود (همان: ۴۱). پس از پیش‌گفتار، پیش درآمد کتاب ارائه شده است. در این بخش آمده

است: "به طور ویژه، پژوهش منتشر شده ای در زمینه مدل سازی و سنجش آثار رهبری بر رشد و توسعه منطقه ای وجود ندارد و پژوهش های محدودی که نقش نهادها را در نظر گرفته باشند، انجام شده است." در این بخش، ساختار کتاب، شامل دو بخش و ۱۰ فصل معرفی شده است. بخش اول شامل شش فصل است. فصل اول، به بیان تکامل نظریه نوین رشد در زمینه توسعه اقتصادی منطقه می پردازد و "چشم اندازی نوین در توسعه درون‌زای منطقه ای" نام دارد. نویسندگان در این بخش تاکید می کنند که سه عامل رهبری، نهادها و کارآفرینی نقش حیاتی در توسعه درون‌زای منطقه ای به منظور رسیدن به توسعه پایدار را ایفا می کنند. البته آن‌ها موهبت منابع و تناسب اقتصاد منطقه ای را نیز بر توسعه پایدار منطقه موثر می دانند. گرچه تعریفی از تناسب منطقه ای ارائه نشده است (همان: ۵۸). نکته قابل ملاحظه آن که در ابتدای کتاب از واژه "تناسب با ساختار بازار" به جای "تناسب اقتصاد منطقه ای" استفاده شده است. آن چه از محتوای این دو واژه بر می آید، منظور نویسندگان "ساختار اقتصاد منطقه" است. سپس نوید یک مدل بر مبنای رهیافتی یکپارچه داده می شود. در این مدل، رهبری، نهادها و کارآفرینی، متغیرهای کلیدی آن هستند و نقش میانجی را برای پتانسیل منابع و عوامل بازار ایفا می کنند. در ادامه کوشش می شود که تعریفی مشخص از توسعه اقتصادی منطقه ای داده شود. زیرا مبحث اصلی کتاب مرتبط با این موضوع می باشد. ولی به دلیل چند بعدی بودن این پدیده، ارائه تعریف دقیق امکان‌پذیر نیست (همان: ۵۹). بدیهی است این نکته باعث می شود که مدل سازی آن با چالش مواجه شود. در مجموع، توسعه منطقه ای از دیدگاه نویسندگان دارای ویژگی های زیر است: الف- یک پدیده چند بعدی است ب- در برگیرنده مجموعه گسترده ای از عوامل و بازنمایی فرآیندی پیچیده می باشد (همان: ۶۱). لازم به ذکر است که موارد یادشده توسط نویسندگان در خصوص مباحث اقتصاد توسعه نیز صادق است و صرفاً مربوط به توسعه منطقه ای نیست. ادامه این فصل به تکامل نظریه توسعه منطقه ای اختصاص دارد. در این بخش مروری بر نظرات هارود-دومار (Harrod-Domar)، سولو، روستو (Rostow) شده است. سپس، نظریه های قطبی شدن پرو (Perroux)، میردال (Myrdal) و هیرشمن (Hirschman) و همچنین نظریه های رشد درون‌زا و نقش سرمایه انسانی مطرح شده است که در کتب اقتصاد توسعه با جزئیات بیشتر به آن‌ها اشاره شده است (همان: ۶۹ الی ۷۹). گرچه مرور مختصر بر این نظرات ارزشمند می باشد، در پایان این بخش، نویسندگان سه انتقاد بر مدل های رشد درون‌زا را به شرح زیر وارد می دانند:

الف) تشخیص تقریبی بخش تولید مبتنی بر دانش در اقتصاد دشوار است.

ب) شیوه اندازه‌گیری سرمایه انسانی.

ج) فقدان مدل ریاضی مورد توافق که بتواند نقش عواملی همچون رهبری، سرمایه اجتماعی و نهادها را اندازه بگیرد.

نکته قابل ملاحظه در این خصوص آن است که این انتقاد به نظریه ارائه شده توسط نویسندگان کتاب نیز وارد است. زیرا به تعبیر خود آن‌ها چارچوب نوین پیشنهادی، قاطعانه در درون نظریه رشد درون‌زا حک شده است (همان: ۸۲).

فصل دوم کتاب به دنبال چارچوبی نوین برای توسعه درون‌زای منطقه ای است. گرچه نویسندگان اذعان دارند که چارچوب ارائه شده اغلب مورد استفاده قرار می‌گیرد و بر مبنای حقایق آشکار شده است. وجود رهبری مقتدر، نهادهای کارآمد، موهبت منابع و تناسب با ساختار بازار، چهار ستون این چهارچوب را تشکیل می‌دهد. گرچه تاکید بیشتر کتاب بر دو عنصر رهبری و نهادها می‌باشد (همان: ۸۸). سپس، مدل توسعه درون‌زای منطقه ای بیان شده است. در این مدل، توسعه درون‌زای منطقه ای تابعی از موهبت منابع و شرایط بازار است و سه عامل نهادها، رهبری و کارآفرینی نقش میانجی را ایفا می‌کنند. در این بخش، از عبارت "شرایط بازار" به جای "تناسب با ساختار بازار" و "تناسب اقتصاد منطقه‌ای" استفاده شده است. در واقع سه عامل یاد شده موجب می‌شوند که موهبت منابع و شرایط بازار به نحو مطلوب موجب توسعه درون‌زای منطقه ای شوند (شکل ۲-۳ ص ۹۱). نویسندگان در این خصوص معتقدند که مدل یاد شده، ماهیت توسعه و عملکرد منطقه را تشکیل می‌دهد و می‌تواند توسط آزمون‌هایی نظیر تحلیل تغییر سهم (-Shift Share Analysis) اندازه‌گیری شود (همان: ۹۲). آن چه در این خصوص محل تامل است، توجه بیش از حد نویسندگان به روشی است که دارای کاستی‌هایی نظیر در نظر نگرفتن ارتباطات بین بخشی در یک منطقه است و رهیافتی پیشرفته و نوین نیست. فصل سوم کتاب به بررسی ارتباط موهبت‌های منابع و تناسب با ساختار بازار می‌پردازد. فرض اصلی این فصل آن است که موهبت منابع می‌تواند سبب عملکرد بهتر منطقه (از نظر توسعه منطقه ای) شود (همان: ۹۵). در این راستا، آورده شده است: "توانایی رهبران محلی برای انجام اقدامات اجرایی و توانایی نهادها به منظور کارآمد بودن، هر دو به طرز قابل ملاحظه‌ای به منابعی که در اختیار دارند وابسته است". منابع طبیعی مورد نظر نویسندگان عبارتند از: مواد خام، نیروی انسانی، مدیریت، بازارها و پول. این پنج مورد

شامل مواردی چون اندازه مساحت منطقه، ساختار و گوناگونی صنعت، میزان سرمایه‌گذاری، فناوری و سرمایه انسانی می‌شود (همان: ۹۷). تقویت منابع از طریق رهبری قوی و نهادهای کارآمد حاصل می‌شود که این نتیجه در محاسبات بین‌کشوری از طریق به‌کارگیری شاخص‌هایی نظیر نحوه حکمرانی به اثبات رسیده است. ضمن این‌که نویسندگان از مطالعات تجربی صورت‌گرفته در این خصوص نیز استفاده نموده‌اند (همان: ۹۸). در ادامه واژه تناسب با ساختار بازار به صورت توانایی شرکت‌ها در منطقه به منظور وارد شدن به تجارت با سایر مناطق برای کسب سهم بازار داخل و خارج تعریف شده است که اندازه‌گیری آن دشوار است (همان: ۹۹). این تعریف بر پایه چرخش از مزیت نسبی به مزیت رقابتی منطقه استوار است و دستیابی صنایع به فرصت‌های بازار را تضمین می‌کند (همان: ۱۰۴). موضوع مطرح شده توسط نویسندگان بازتاب‌اندیشه‌های ریکاردو (Ricardo) در خصوص مزیت نسبی و پورتر (Porter) در مورد مزیت رقابتی است و در پژوهش‌های تجربی نیز مورد استفاده قرار گرفته است. فصل چهارم به بیان نقش رهبری در توسعه منطقه‌ای اختصاص دارد. رهبری از طریق تأثیر بر نهادها می‌تواند نقش مهمی در توسعه منطقه‌ای داشته باشد (همان: ۱۰۷). منظور از رهبری، همکاری بین دولت، بخش خصوصی و اجتماع بر مبنای اعتماد و همیاری متقابل است و بر مبنای روابط سلسله‌مراتبی سستی نیست (همان: ۱۱۰). به علاوه، رهبری بر کارآفرینی از طریق نوآوری و گسترش محصولات و همچنین رقابت کارآمد با شرکت‌های رقیب نیز تأثیر مثبت دارد (همان: ۱۱۱). به طور کل، رهبری بر اساس اهداف مشترک، همکاری، ایجاد تغییر و رفتار کنشگرانه پویا در منطقه مصداق پیدا می‌کند (همان: ۱۲۵). تحلیل نقش نهادها بر توسعه درون‌زای منطقه‌ای فصل پنجم کتاب را تشکیل می‌دهد. نهادها دامنه گسترده‌ای از موضوع‌های مرتبط با حکمرانی را شامل می‌شوند. آن‌ها ساختارها و سازمان‌های قاعده‌مندی برای اداره جامعه فراهم می‌کنند (همان: ۱۲۸). منظور از حکمرانی، کنش، منش یا فرآیند اداره کردن و همچنین ریاست یا عملکرد اداره کردن است (همان: ۱۲۹). نهادها براساس کاهش هزینه‌های تولید، افزایش اعتماد بین کنشگران اجتماعی و اقتصادی، افزایش ظرفیت کارآفرینی، تقویت سازوکارهای یادگیری و ارتباطی و همچنین استحکام شبکه‌ها می‌توانند موجب انباشت سرمایه شوند (همان: ۱۳۴). در ادامه فصل با توجه به مطالعات و شواهد تجربی، به تحلیل موارد فوق پرداخته شده است (همان: ۱۲۵ الی ۱۶۳). در این بخش مواردی همچون ماهیت حکومت اجرایی، فرهنگ سازمانی و حکمروایی،

زیرساخت‌های هوشمند، شبکه‌ها و اتحادیه‌ها مورد بحث قرار گرفته است. فصل ششم کتاب مربوط به کارآفرینی، ارتباط آن با رهبری و شباهت‌ها و تفاوت‌ها بین آن‌ها است. کارآفرینی بستری را در فرآیند توسعه اقتصادی منطقه فراهم می‌کند که در آن انگیزه‌ها برای اکتشاف و نوآوری بیش از منفعت خالص (نفعی که فراتر از شرایط جاری مورد انتظار است) می‌باشد. به بیان دیگر، کارآفرینان به دنبال بهبود رفاه اجتماعی انباشت شده در منطقه هستند (همان: ۱۷۱). نگرش سنتی به مقوله کارآفرینی دست‌یابی به منفعت خالص بوده است. ولی همان‌گونه که ذکر شد، انگیزش کارآفرین بخش خصوصی و عمومی در فرآیند توسعه منطقه‌ای متفاوت است. هر چند وی به صورت غیرمستقیم به منفعت خالص نیز دست می‌یابد (همان: ۱۶۶). مصداق‌های کارآفرینان در راستای توسعه شامل مواردی همچون کشف و توسعه بخش‌های صنعتی نوین همچون خوشه‌های فناوری و یافتن و اکتساب منابع نوین برای اجرای راهبردهای توسعه می‌شود. کارآفرینان از قشرهای مختلفی نظیر حکمرانان، مدیران اجرایی، بانکداران و نظایر آن تشکیل می‌شوند (همان: ۱۶۷). به طور کل دو دیدگاه در خصوص ماهیت کارآفرینی وجود دارد. دیدگاه شومپیتر (Schumpeter) و دیدگاه کیرزner (Kirzner). در هر دو دیدگاه کارآفرین برای تولید کالاها و خدمات نوین و یا مسیرهای جدید برای تولید آن‌چه وجود دارد، ظهور می‌کند. ولی شومپیتر معتقد است که کارآفرین به دلیل خلق کالاها و خدمات نوین در بازار باعث عدم تعادل در سیستم‌های اقتصادی می‌شود. این درحالی است که کیرزner، ایجاد کالاها و خدمات نوین را عامل ثبات سیستم اقتصادی می‌داند. بدیهی است نظر نویسندگان کتاب به دیدگاه کیرزner نزدیک‌تر است. نظریه پیش‌آیندی (Contingency Theory) در ادامه این بحث مطرح می‌شود. در نظریه فوق، رخدادها یا رویدادهای برهم‌زننده پایداری یک منطقه (نظیر حوادث طبیعی مانند کرونا و یا ساخته دست بشر مانند جنگ) به مثابه کاتالیزوری در نظر گرفته می‌شوند که نیاز به رهبری برای به حرکت درآوردن سیستم به سمت تعادل مطرح شود. در این حالت رهبر به مثابه یک کارآفرین از خود رفتار نوآورانه و فرصت‌طلبانه بروز می‌دهد تا بتواند زمینه را به منظور توسعه درون‌زای منطقه‌ای فراهم نماید. بخش دوم کتاب، اختصاص به مورد پژوهی‌های مرتبط با مباحث بخش اول کتاب دارد. در این بخش نمونه‌هایی از کشور آمریکا، اروپا و کشورهای حوزه اقیانوس آرام ذکر شده است. جدول ۱، خلاصه‌ای از آن‌چه در بخش دوم کتاب آورده شده است را نشان می‌دهد.

جدول ۱. خلاصه مورد پژوهی‌های بخش دوم کتاب

نام منطقه	مشکل اقتصادی رخ داده	راه حل غلبه بر مشکل
پیتسبورگ آمریکا	فروپاشی صنعت فولاد در دهه ۸۰ میلادی که موجب افت ۴۴ درصدی شاغلان منطقه گردید.	فرآیند بازآفرینی در سه مرحله انجام پذیرفت. مرحله اول شامل ایجاد رابطه مستحکم و مشارکت بین بخش دولتی و خصوصی بود. این مرحله شامل مجموعه‌ای از تغییرات نهادی و محیطی بود و به طور عمده توسط بخش خصوصی هدایت می‌شد و بخش عمومی نقش تسهیلگری بر عهده داشت. در مرحله دوم، بخش عمومی نقش هدایتگری را بر عهده گرفت. تعهد از سوی بالاترین رده‌های سیاسی علی‌رغم رهبری سیاسی در حال تغییر، لحاظ نمودن منافع حاصل از کسب و کار خصوصی، اعتماد بین مجریان بخش عمومی و خصوصی در ابداع و اجرای راهبردهای توسعه از مهم‌ترین آموزه‌ها در این مرحله به شمار می‌رود. مرحله سوم به مشکلات پایه اقتصادی شهر توجه داشت و سعی بر این بود که جایگزینی به جای صنعت فولاد برای ایجاد اشتغال در منطقه در نظر گرفته شود. در این راستا، شرکت‌های فناوری پیشرفته به منظور راهبرد مناسب در نظر گرفته شد. در این مرحله، دانشگاه‌ها و مراکز علمی نیز به همکاری با بخش‌های عمومی و خصوصی پرداختند.
هیوستون آمریکا	رکود در صنعت نفت، فقدان رهبری و نهادهای قدرتمند	مشارکت بخش عمومی و خصوصی، احداث شرکت توسعه اقتصادی در منطقه
آستین تگزاس آمریکا	ساختار شهر به گونه‌ای بود که عمده شاغلان آن، کارگزاران حکومتی و کارمندان دانشگاه بودند.	کارآفرینی، مشارکت بخش دولتی و خصوصی، رشد فناوری منجر شد که این شهر، تبدیل به یکی از مناطق پررونق متکی به فناوری تبدیل شود.
کلرادو آمریکا	اقتصاد منطقه مبتنی بر صنایع معدن، نفت، گاز و همچنین کشاورزی بود.	مشارکت بخش خصوصی و دولتی، کارآفرینی موجب شد که اقتصاد منطقه بر پایه صنایع پیشرفته بنیان نهاده شود.
ایندیاناپولیس آمریکا	در حالی که بخشی از کمربند صنعتی آمریکا بود، در میانه دهه ۶۰ میلادی دچار رکود اقتصادی شد. دلیل این رکود، مقبولیت روش‌های تولید ژاپنی بود که از فزایندهای تولید و فناوری‌های نوین استفاده می‌کرد.	استفاده از ظرفیت‌های بومی و محلی، حمایت از سرمایه‌ورزی آماتور، به کارگیری رهبرانی که ریشه در منطقه داشتند، استفاده از سرمایه بخش خصوصی در کنار بخش عمومی.
بیرمنگام انگلستان	رکود در بخش صنعت	بهره‌گیری از مساعدت‌های مالی دو شرکت متعلق به بخش نیمه دولتی، پژوهش در زمینه توسعه منطقه‌ای، همیاری بین

احزاب و انجمن شهر		
توجه به گردشگری. گرچه هنوز کاستی‌های زیادی در شهر نظیر نیروی کار بی کیفیت و غیر ماهر، سطح بالای بیکاری، اشتغال زیاد در بخش عمومی وجود دارد.	رکود در بخش‌های بندرگاهی و انبارداری، نداشتن اتحاد بین بخش‌های عمومی و خصوصی، فقدان رهبری منطقه	لیورپول انگلستان
گسترش آموزش برتر، بهبود زیرساخت‌های شهر، جذب صنایع فناوری پیشرفته، سرمایه اجتماعی بالا	بحران اقتصادی در انتهای دهه ۷۰ میلادی به دلیل نرخ رشد منفی در بخش‌های سستی اقتصاد و ورود مجموعه‌ای از ماشین‌آلات خودکار به ساختار اقتصادی شهر	رنس فرانسه
پروژه عمرانی بزرگ به منظور اتصال به مناطق مختلف اروپا، بازآفرینی ارتباط بین شهر با سایر بخش‌های منطقه کلان شهری	رکود در تولید و اشتغال بخش‌های نساجی، کشاورزی و صنایع معدنی	لیل فرانسه
تشکیل یک اقتصاد بومی، کارآفرینی، تقویت فعالیت‌های فناوری و پژوهشی، گسترش گسب و کارهای کوچک و متوسط	رکود در بخش‌های صنایع معدنی و استخراج فلزات پس از فروپاشی سیستم کمونیستی	فرایبورگ آلمان
حرکت از اقتصاد صنعتی به اقتصاد دانش بنیان، توسعه بخش فناوری اطلاعات، توسعه مراکز رشد، تجاری سازی بین‌المللی	تولید صنایع فناوری چوب و مهندسی نساجی به دلیل جنگ‌های داخلی و فروپاشی شوروی که خریدار محصولات این منطقه بود، کاهش شدیدی یافت.	تامپره فنلاند
نوآوری و انعطاف پذیری در سیاست‌های اقتصادی، مشارکت بخش‌های عمومی و خصوصی	ورشکستگی صنایع کشتی‌سازی، تجدید ساختار بخش‌های نفت و پتروشیمی	روتتردام هلند
برنامه‌ای در مسیر خلق فرصت‌های توسعه به منظور بررسی چگونگی بازآفرینی شهری برگزار شده است ولی تاکنون نتیجه‌ای حاصل نشده است. طبق اطلاعات موجود در کتاب، هنوز نتیجه نهایی به دست نیامده است.	رکود در صنایع سنگین نظیر فولاد و آهن	نیوکاسل استرالیا
نرخ ارز پایدار، پایداری سیاسی، حکومت نامداخله گر با مالیات‌ستانی پایین	---	هنگ کنگ
توسعه منابع انسانی، دخالت دولت در اقتصاد با توجه به حکمرانی شایسته	وابستگی اقتصاد به بخش کشاورزی	سنگاپور

کارآفرینی و گسترش خوشه‌ها	وابستگی اقتصاد به کشاورزی و معادن فلزی و غیر فلزی	شی‌هوآ هوآ مکزیک
---------------------------	---	------------------

جدول ۱ خلاصه‌ای از صفحات ۱۸۳ تا ۲۶۲ کتاب را شامل می‌شود. در این بخش سعی شده است با استفاده از حقایق آشکار شده در مناطق مختلف جهان، چگونگی گذر از مشکلات اقتصادی بیان شود. در این مناطق، علاوه بر سه عامل تسریع‌کننده توسعه درون‌زای منطقه‌ای (رهبری، کارآفرینی و نهادها) از سایر عوامل نیز نام برده شده است. گرچه، عوامل ذکر شده متنوع هستند. ضمن این که ساختار اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آن‌ها نیز متفاوت است. فصل آخر کتاب (فصل ۱۰) به مدل سازی توسعه اقتصادی درون‌زای منطقه‌ای می‌پردازد. در واقع می‌توان گفت که نتیجه اثر در این فصل قرار گرفته است. زیرا امکان سنجش موارد ذکر شده در کتاب را فراهم می‌کند. در ابتدا نویسندگان اشاره‌ای به روش تحلیل‌های چند بخشی نموده‌اند ولی این بحث در ادامه پیگیری نشده است (همان: ۲۶۵). سپس، به مطالعات گوناگونی اشاره شده که در مناطق مختلف انجام شده است (همان: ۲۶۷). مساله‌ای که در این فصل نمود زیادی پیدا می‌کند، مشکلات مدل عملیاتی ارائه شده است. نویسندگان بر نبود تعریفی مشخص و مورد پذیرش درباره متغیرهایی که بتواند مدل توسعه درون‌زای منطقه‌ای را اندازه‌گیری کند، تاکید می‌کنند (همان: ۲۶۸). این عامل موجب می‌شود که تفاسیر متفاوت و گاه متناقضی از مقدار و روند این شاخص حاصل شود. به علاوه، عدم دسترسی به داده‌های مناسب ثانویه به منظور فراهم کردن پایه اطلاعاتی برای مناطق در سطح ایالت، استان یا ملی، از دیگر مشکلات این بخش به شمار می‌رود. در ادامه، متغیرهایی که می‌تواند به عنوان جانشین متغیر اصلی مدل مورد استفاده قرار گیرند، معرفی شده‌اند که البته برخی از آن‌ها قابل اندازه‌گیری نیستند (نظیر لایه‌های حکومتی / جدایی حکومتی) و یا درخصوص برخی دیگر از شاخص‌های مناسب استفاده نشده است (ضریب مکانی به منظور شناسایی فعالیت‌های پایه در بخش‌های اصلی صنعتی). در پایان فصل (کتاب) نیز به نتایج دو تحقیق انجام شده اشاره شده است. در خصوص کاستی‌های روش‌شناسی ارائه شده در کتاب، در ادامه مقاله به صورت مجزا بحث خواهد شد.

۳. نقد شکلی کتاب

- الف) بخش اول کتاب از فصل دوم شروع می‌شود. این امکان وجود داشت که فصل اول در بخش نخست کتاب آورده شود. به طور کل دلیل انجام این کار مشخص نشده است.
- ب) تمام فصول دارای جمع بندی نیستند و دلیل آن مشخص نیست. به عنوان نمونه فصل سوم دارای جمع بندی است ولی فصل چهارم فاقد این بخش است.
- ج) در ذکر عناوین دقت کافی به عمل نیامده است. مثلاً در خصوص مورد پژوهی‌هایی از ایالات متحده، در مقابل مناطق تگزاس و پنسلوانیا نام کشور قید شده است. ولی در مورد ایالت کلرادو چنین امری انجام نشده است (همان: ۹). چنین موردی در خصوص شهر لیورپول نیز برقرار است.
- د) گرچه اغلاط املائی در متن زیاد نیستند ولی در چند مورد به چشم می‌خورد. همانند دورن‌زا (درون‌زا ص ۱۶)، برآن‌ایم (برآنیم ص ۵۳)، اتحادها (اتحادیه‌ها ص ۱۵۳) و استاندار (استاندارد ص ۱۶۵).
- ه) از ترجمه برخی از کلمات در متن صرف نظر شده است. همانند پازل (ص ۲۱)، عوامل کاتالیستی (ص ۵۳) و پروگرام (ص ۲۱۹).
- و) ترجمه برخی از عبارات نیاز به ویرایش دارد. به عنوان نمونه به موارد ذیل می‌توان اشاره نمود.
- "این توسعه راهبردهای توسعه خود را تنها بر مبنای بهبود یا ارتقای.....(ص ۲۷)". همان گونه که ملاحظه می‌شود، دوبار عبارت توسعه به صورت متوالی تکرار شده است.
 - "برازش این انگاشت بر توسعه فضایی.....(ص ۳۳)".
 - "چارچوب نوین پیشنهادی ما قاطعانه در درون نظریه رشد درون‌زا حک شده است (ص ۸۲)".
 - کارآفرینی در بستر توسعه اقتصادی منطقه ای نشئت گرفته از رهبری، متفاوت است با انگاشت کارآفرینی مطرح در بخش خصوصی (ص ۱۶۵).
 - معماری توسعه اقتصادی راهبردی یک منطقه را می‌توان به مثابه ظرفیت سازی برای منطقه در خصوص رقابت با سایر مناطق انگاشت پردازی کرد (ص ۲۶۷).

- این عوامل سبب می‌شوند اندازه‌گیری دقیق درباره مدل عملیاتی واجد کیفیت مه‌آلود شود (ص ۲۶۸).

ز) مرسوم است که پانویس لغات زبان انگلیسی با حروف بزرگ آغاز شوند. در حالی که این نکته صرفاً در خصوص اسامی افراد رعایت شده است. لازم به ذکر است که در واژه‌نامه انتهای کتاب نیز چنین وضعیتی برقرار است.

۴. نقد محتوایی کتاب

الف) استفاده از معیار نامناسب در تعیین برخی از شاخص‌ها. به عنوان نمونه، سنجش فعالیت‌های پایه یک اقتصاد با استفاده از روش سهم مکانی با تورش همراه است. بهتر است در این موارد، پیوندهای بین بخشی منتج از جدول داده-ستانده منطقه‌ای مد نظر قرار گیرد.

ب) ذکر شاخص‌هایی که به دقت نمی‌تواند اندازه‌گیری شود. به عنوان نمونه می‌توان به شرایط آب و هوایی، توپولوژی، رکود سازمانی (ص ۲۷۰)، لایه‌های حکومتی، جدایی حکومتی (ص ۲۷۱)، شرکت در فعالیت مخاطره‌آمیز و شغل‌های مرتبط با تحلیل نمادین (ص ۲۷۲) اشاره نمود. مهم‌ترین شاخصی که در خصوص اندازه‌گیری آن ابهام وجود دارد، توسعه درون‌زای منطقه‌ای است. تغییر در سهم اشتغال یا تولید بخش‌های اقتصادی یا نرخ اشتغال در گروه‌های عمده شغلی به تنهایی نمی‌تواند شاخص توسعه درون‌زای منطقه‌ای را نشان دهد.

ج) تعریف دقیق و مشخصی از منطقه در کتاب آورده نشده است. در پژوهش‌های تجربی در ایران، منطقه معادل استان در نظر گرفته می‌شود. در حالی که در کتاب، کشورهای نظیر هنگ‌کنگ و سنگاپور و یا برخی از ایالت‌های آمریکا و بعضی از شهرهای انگلستان به عنوان منطقه در نظر گرفته شده است.

د) عدم درج عنوان "کارآفرینی" در عنوان کتاب. اگر کارآفرینی یکی از ویژگی‌های مهم رهبری محسوب می‌شود، چرا به صورت جداگانه و به عنوان یک متغیر میانجی مهم در مدل لحاظ شده است؟

ه) متغیرهای به کارگرفته شده در مدل رابطه علت و معلولی دارند. ولی تصریح مدل به گونه‌ای است که متغیرهای وابسته و مستقل دقیقاً مشخص شده‌اند. در این مورد

نویسندگان توضیحی ارائه نداده‌اند. بهتر می‌بود که مدل پیشنهادی به صورت یک مجموعه معادله ارائه می‌گردید.

و) عدم آزمون تجربی مدل ارائه شده. اگرچه نویسندگان اظهار داشته‌اند: "این کتاب مطالعه‌ای در حال تکمیل شدن است و بسیاری از بحث‌های دیگر منوط به آزمون تجربی مدل پیشنهادی خواهد بود". ضمن این که می‌افزایند: "آزمون یاد شده به دلیل فقدان اطلاعات و بانک اطلاعاتی در دسترس به منظور سنجش متغیرهای مرتبط با عوامل نهادی و رهبری با چالش مواجه است" (ص ۵۳). در واقع، نویسندگان به صورت ضمنی اذعان نموده‌اند که آزمون مدل آن‌ها در حال حاضر امکان‌پذیر نیست و جای این سوال را باقی می‌گذارد که در صورت نبود داده، چگونه می‌توان اعتبار مدل ارائه شده را سنجید و بدین گونه، اعتبار مدل ارائه شده محل تردید قرار می‌گیرد. به طور کل انتظار می‌رود در پژوهش‌های اقتصادی، مدل مورد استفاده (خصوصاً زمانی که به عنوان نوآوری تحقیق محسوب می‌شود)، مورد آزمون تجربی قرار گیرد. ضمن این که با در نظر گرفتن بنیه آماری بسیاری از کشورهای در حال توسعه، امکان اجرای مدل پیشنهادی با چالش مواجه خواهد بود.

ز) مورد پژوهی‌های ارائه شده در بخش دوم کتاب باید با توجه به مدل پیشنهادی ارائه شود. صرف ارائه اطلاعات بسیار زیاد و کلی از مناطق مختلف کافی نیست. این امکان وجود داشت که به جای توجه به حقایق آشکار شده، در راستای مدل پیشنهادی، روند توسعه درون‌زای مناطق منتخب تشریح می‌گردید.

ح) یک نتیجه‌گیری کلی از بیان تجربیات مناطق انجام نشده است. شایسته بود به جای تقسیم مناطق بر حسب قاره، بر اساس مشکل موجود در منطقه و روند گذر از آن تقسیم‌بندی صورت می‌گرفت. به عنوان نمونه، مناطقی که از نظر بخش صنعت دچار رکود شده‌اند در یک مجموعه مورد بررسی قرار می‌گرفتند.

ط) برخلاف نظر نویسندگان، روش تغییر سهم، یک روش توسعه یافته تحلیل اقتصادی منطقه نیست (ص ۹۲). این روش حداقل در ایران سال‌هاست که مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ی) پدیده "موهبت منابع" علی‌رغم تعریفی که توسط نویسندگان ارائه شده است همواره برقرار نیست و ممکن است "نفرین منابع" وجود داشته باشد. به عنوان مثال، وجود ذخایر عظیم نفت و گاز در استان خوزستان (به عنوان یکی از مناطق نفت‌خیز) اگرچه

به صورت اسمی درآمد سرانه را افزایش داده است، ولی رشد اقتصادی و ساختار صنعتی را به نحو نامطلوب تحت تاثیر قرار داده است. در این استان، بسیاری از صنایع پایین دستی نفت و گاز توسعه نیافته اند. به علاوه، رشد اقتصادی به دلیل وابستگی به ارزش افزوده نفت، با نوسان های شدید مواجه است. چنین وضعیتی در استان های دیگر نفتی ایران نظیر ایلام نیز برقرار است.

ک) در اقتصاد، واژه ای با عنوان صنعت بندرگاهی وجود ندارد (ص ۲۱۶). خدمات بندرگاهی زیر مجموعه خدمات حمل و نقل آبی است که کد دو رقمی ۵۰ آیسیک (ISIC) را شامل می شود. آیسیک مخفف عبارت International Standard Industrial Classification است و از سال ۱۹۴۸، تقسیم بندی فعالیت های اقتصادی بر این اساس انجام می شود. جدیدترین نسخه آن مربوط به سال ۲۰۰۸ است که تمامی فعالیت های اقتصادی را به ۹۹۰۰ فعالیت تقسیم می نماید.

ل) تفاوت زمانی نگارش کتاب و ترجمه آن ۱۰ سال است (۲۰۰۷ تا ۲۰۱۷). طی این مدت تغییرات گسترده در اقتصاد رخ داده و بحران های زیادی پدید آمده است. پیشنهاد می شود که در چاپ دوم از نسخه جدید کتاب (در صورت وجود) استفاده شود و یا این که یک مورد پژوهی در خصوص یکی از مناطق ایران در انتهای کتاب توسط مترجمان صورت پذیرد.

م) عدم در نظر گرفتن آثار سرریزی (Spillover Effects) و بازخوردی (Feedback Effects) در مدل پیشنهادی. با توجه به این که رشد و توسعه اقتصادی مناطق در یک کشور ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارد، ضروری است این دو اثر در مدل ارائه شده مدنظر قرار می گرفت. گرچه ذکر لحاظ نمودن این دو اثر منجر به پیچیده تر شدن مدل می گردید، ولی می توانست به نحو دقیق تر مباحث توسعه منطقه ای را پوشش دهد. لازم به ذکر است که این نکته توسط نویسندگان محترم عنوان نشده است.

ن) به زعم نویسندگان کتاب، مدل های رشد درون زا دارای سه کاستی است. این سه نقص عبارتند از: فقدان مدل ریاضی مورد توافق به منظور تعیین نقش رهبری، سرمایه اجتماعی و نهادها، شیوه اندازه گیری سرمایه انسانی و تشخیص تقریبی بخش تولید مبتنی بر دانش در اقتصاد. این در حالی است که این سه انتقاد بر مدل ارائه شده توسط مولفان نیز وارد است و کوششی به منظور حل آن صورت نگرفته است.

ق) برخی از گزاره‌های علمی مطرح شده در کتاب نیاز به اثبات و توضیح بیشتر دارد. نویسندگان معتقدند که پنجاه درصد از تغییرات تابع تولید توسط تغییرات فناورانه و خطاها توضیح داده می‌شود. این در حالی است که مدل مورد استفاده، کشور(کشورهای) مورد مطالعه، بازه زمانی برآورد مدل بر خوانندگان پوشیده مانده است. انتظار می‌رود در این موارد معرفی و تحلیل مدل مورد بررسی صورت پذیرد.

۵. نتیجه‌گیری

کتاب توسعه درون‌زای منطقه‌ای: رهبری و نهادها کوشش می‌نماید تا در قالب یک مدل، ارتباط بین موهبت منابع و ساختار اقتصادی منطقه را با توسعه درون‌زای منطقه‌ای تبیین نماید. در این خصوص از سه شاخص رهبری، نهادها و کارآفرینی به عنوان متغیر میانجی استفاده شده است. در این راستا، اهمیت سه شاخص میانجی توضیح داده شده است. ضمن این که از تجربیات مناطق مختلف نیز بهره گرفته شده است. مدل پیشنهادی گرچه جزء قدم‌های اولیه به شمار می‌رود ولی دارای کاستی‌هایی نیز می‌باشد. برخی از کاستی‌های آن عبارتند از: استفاده از معیار نامناسب در تعیین برخی از شاخص‌ها، ذکر شاخص‌هایی که به دقت نمی‌تواند اندازه‌گیری شود و عدم آزمون تجربی مدل ارائه شده. در مجموع مطالب کتاب با توجه به رویکرد جزء به کل (منطقه به کشور) و همچنین اطلاعات مفیدی که از طریق مورد پژوهی‌های انجام شده به خوانندگان ارائه می‌نماید، بخشی از نیازهای علمی کشور را پوشش می‌دهد. ضمن این که سازواری با برنامه‌های توسعه ایران دارد. ارجاع دهی‌های بسیار زیادی در متن انجام گرفته و سعی شده که از منابع گوناگون استفاده شود. در ترجمه کتاب نیز حداکثر کوشش به عمل آمده که اصطلاحات تخصصی و معادل‌سازی برای واژه‌ها انجام پذیرد. با این وجود، اثر مورد بررسی در خصوص چگونگی انتخاب متغیرهای مدل و نحوه اجرای آن نیاز به بازبینی مجدد دارد و برخلاف نظر انتشارات ادوارد الگار (Edward Elgar)، یک کتاب جامع در خصوص نقش رهبری و نهادها در توسعه درون‌زای منطقه‌ای به شمار نمی‌آید. بلکه همانند نظر بولتن (Bolton, 2010:460) کتاب نیاز به بررسی مجدد به منظور ارتباطات بیشتر با نظریه‌های برنامه‌ریزی و مورد پژوهی‌های دقیق‌تر دارد.

کتاب‌نامه

استیمسون، رابرت، استاو، راجر و سالازار، ماریا (۱۳۹۷). توسعه درون‌زای منطقه‌ای: رهبری و نهادها، ترجمه محمدحسین شریف زادگان و بهزاد ملک پور اصل، تهران: نشر نی، چاپ اول.

شریف زادگان، محمدحسین و ملک پور اصل، بهزاد (۱۳۹۵). "نگرشی نهادی به برنامه ریزی توسعه درون‌زای منطقه‌ای"، فصلنامه برنامه ریزی و بودجه، دوره ۲۰، شماره ۴، صص ۱۸۴-۱۵۵.

شریف زادگان، محمدحسین و ملک پور اصل، بهزاد (۱۳۹۵). "چارچوب یکپارچه توسعه درون‌زای منطقه‌ای در ایران"، تحقیقات اقتصادی، دوره ۵۱، شماره ۱، صص ۱۷۴-۱۳۷.

شریف زادگان، محمدحسین و ندایی طوسی، سحر (۱۳۹۵). "سنجش مناسبت به کارگیری مولفه‌های موفقیت رقابت‌پذیری توسعه منطقه‌ای در ایران"، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۸، شماره ۱، صص ۱۰۵-۱۲۳.

Bolton, R (2010). "Leadership and institutional factors in endogenous regional economic development, (Book Reviews)", *Growth & Change*, Vol 41 No 3, PP 459-465

Edward Elgar Publishing (2020). www.elgaronline.com/view/9781848440593.

Stimson, R & Stough, R (2007). *Regional Economic Development: Analysis and Planning Strategy*, Springer, (first Edition).

Stimson, R, Stough, R & Salazar, M (2015). "Leadership and institutional factors in endogenous regional economic development", *Investigaciones Regionales*, No7, PP 23-53.